

رویکردی بین‌الادیانی به معنای «من بعد الذکر» در قرآن کریم

احمد پاکتچی*

چکیده

کاوش در برخی مفاهیم قرآنی، که در آموزه‌های دیگر ادیان ابراهیمی نیز وجود دارند، مجال مناسبی برای مطالعات تطبیقی بین‌الادیانی و بررسی موارد اشتراک و افتراق آن‌ها را فراهم می‌آورد. مفهوم «ذکر» در سیاق آیه ۱۰۵ سوره انبیاء در شمار نمونه‌هایی است که با مضامین مشابهی در آیات عهد عتیق رایج به کار برده شده است. پژوهش حاضر تلاش کرده با به‌کارگیری داده‌های زبان‌شناسی تاریخی از خلال دیدگاه مفسران قرآن کریم و نیز شارحان عهدین در خصوص معنای آیه و مفهوم ذکر در آن به تبیینی بین‌الادیانی از مفهوم قرآنی نایل آید.

کلیدواژه‌ها: ذکر، زیور، تورات، عهد عتیق، ارث‌بری زمین.

۱. مقدمه

در سوره انبیاء آیه‌ای وجود دارد که در آموزه‌های آخرالزمانی مسلمانان نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای داشته است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (در زیور بعد از ذکر نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث زمین خواهند شد). فراتر از جنبه یادشده، وجود دقیقاً همین مضمون در زیور کنونی یا مزامیر، از کتب عهد عتیق رایج در میان یهودیان و مسیحیان (مزامیر، ۳۷: ۲۹)، گشاینده فضایی برای مقایسه کتب مقدس ادیان ابراهیمی و مطالعات بین‌الادیانی است و در مقاله حاضر به‌ویژه به این جنبه توجه شده است.

* دانشیار گروه مطالعات قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)، apakatchi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱

نکته‌ای که در خصوص آیه یادشده وجود دارد این است که چالش‌های موجود در مسیر تفسیر این آیه و بیان مراد از واژه‌های کلیدی «زبور» و «ذکر» در سنت تفسیر قرآن، طی قرن‌های متمادی، مانع از آن شده است که عمق بین‌الادبانی این آیه آن‌گونه که باید مورد مذاقه قرار گیرد. مسئله اصلی در پژوهش حاضر این است که مشخص شود مقصود از «ذکر» در آیه چیست و اساساً به چه دلیل قرآن کریم در این آیه آموزه زبور را با کتابی پیش از آن به هم‌سنجی نهاده است؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند راه‌گشای درک عمیق‌تری از معنای آیه شریفه در خصوص ارث‌بری صالحان در زمین باشد.

پژوهش حاضر پلی میان مطالعات قرآنی و مطالعات عهدینی است و در آن از داده‌های زبان‌شناسی تاریخی نیز استفاده شده است. در این تلاش، بر خلاف غالب پژوهش‌های هم‌سنخ، به جای بهره‌گیری از داده‌های حوزه عهدین برای تدقیقات قرآنی که عملکردی ترارشته‌ای (transdisciplianry) محسوب می‌شود، کوشش شده است تا نوعی گفت‌وگو میان داده‌های دو حوزه علمی صورت گیرد و این داده‌ها برای رسیدن به نتیجه‌گیری‌ای مشترک هم‌گرا شوند. به تعبیر دیگر، پژوهشی میان‌رشته‌ای (interdisciplinary) در معنای اخص آن سامان یافته است.

۲. تفسیر ذکر یادشده در اقوال مفسران

واژه ذکر و تفسیر آن در آیه مورد بحث، از همان نخست، موضوع گفت‌وگوی مفسران قرآن بوده است. در پی جستاری در منابع حدیث و تفسیر مأثور می‌توان اقوال منتسب به صحابه، تابعین، و مفسران متقدم را در چهار گروه اصلی طبقه‌بندی کرد.

۱،۲ گروه اول، لوح محفوظ به‌عنوان ذکر

اقوالی که در تفسیر «ذکر» آن را «ام‌الکتاب» یا مفهومی نزدیک به آن به‌عنوان کتابی در آسمان دانسته‌اند و «زبور» را، که پس از آن آمده، نه آن‌گونه که مشهور است کتاب حضرت داوود (ع)، بلکه مجموعه‌ای از کتب آسمانی دانسته‌اند. این طیف از تفسیر در منقولات زیر دیده می‌شود:

سعید بن جبیر از ابن عباس: «آنچه در آسمان است» (الذی فی السماء) به‌عنوان «ذکر» و تورات و انجیل و قرآن به‌عنوان «زبور» (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۲۷۴؛ ضیاء مقدسی، ۱۴۱۰: ج ۱۰، ۱۷۳).

سعید بن جبیر در قول اول منقول از وی: «آنچه در آسمان است» به عنوان «ذکر» و تورات و انجیل و قرآن به عنوان «زبور» همانند پیشین (هناد بن سری، ۱۴۰۶: ج ۱، ۱۲۳؛ بسوی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۴۱۲؛ ج ۳، ۲۱۷؛ طبری، ۱۴۰۵: ج ۱۷، ۱۰۳؛ طحاوی، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ۲۹۷). تقریر دیگر قول اول سعید بن جبیر: «اصلی که این کتب (کتب آسمانی) از آن نسخه برداری شده اند» (الاصل الذی نسخت منه هذه الكتب) به عنوان «ذکر» و تورات و انجیل و قرآن به عنوان «زبور» (ابوعبید، ۱۹۸۷: ۶؛ طحاوی، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ۲۹۸).

ابن زید: «کتاب مادر که پیش از آن (کتب آسمانی) چیزها در آن نوشته شده است» (ام الكتاب الذی یکتب فیہ الاشیاء قبل ذلک) به عنوان «ذکر» و «کتبی که بر پیامبران نازل شده است» به عنوان «زبور» (طبری، ۱۴۰۵: ج ۱۷، ۱۰۳). در نقل ابن جوزی توضیح ام الكتاب در این قالب فشرده شده است: «آنچه نزد خداست» (الذی عند الله) (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۲۷۴).

مجاهد بن جبر در نقل مشهور: «کتاب مادر که نزد خداست» (ام الكتاب عند الله) به عنوان «ذکر» و «کتاب» (ظاهراً مقصود کتب نازل بر پیامبران بدون تعیین) به عنوان «زبور» (طبری، ۱۴۰۵: ج ۱۷، ۱۰۳؛ بغوی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۲۷۱؛ ابن جوزی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۲۷۴). ضبط نسخ کتاب طحاوی به صورت «الزبور الكتاب عند الله» ظاهراً باید حمل بر افتادگی شود (طحاوی، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ۲۹۹).

مقاتل بن سلیمان: «لوح محفوظ» به عنوان «ذکر» و «تورات و انجیل و قرآن» به عنوان «زبور» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۴: ج ۲، ۳۷۲). ابن ابی زمنین این تفسیر را عیناً به مجاهد بن جبر نسبت داده است (ابن ابی زمنین، ۱۴۳۳: ج ۳، ۱۶۴) که باید ناشی از خلط مجاهد با مقاتل یا برداشتی از سخن مجاهد باشد.

حدیثی از امام صادق (ع): «(امری) نزد خدا» به عنوان «ذکر» (الذکر عند الله) و «زبور» داوود (ع)» به عنوان «زبور» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۵۶؛ کلینی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۲۲۶).

ابوطالب مکی: «ذکر اول یا لوح محفوظ» به عنوان «ذکر» و «زبور اولی یا صحف» به عنوان «زبور» (مکی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۱۱).

در پایان سخن از این گروه باید گفت، همین برداشت از «ذکر» و «زبور» تلویحاً در یک روایت تاریخی از محمد بن عاصم کوفی هم دیده می شود، آنجا که در سخن از فتح موصل و جنگ هاشم بن عتبّه با الشکان بن قالوس در زمان خلیفه دوم و آمدن ندای غیبی از سوی خداوند به سپاه مسلمانان در ضمن عبارات نداشته می گوید: «آنان را در کتاب مکنون یاد کردم، همانا نوشتیم در زبور بعد از ذکر ...» (ذکر تهم فی الكتاب المکنون ولقد کتبنا

فی الزبور... (واقدی، بی تا: ج ۲، ۲۱۱). محمد بن جریر طبری نیز پس از نقل همه اقوال متقدم، نظریه ام‌الکتاب را ترجیح نهاده (طبری، ۱۴۰۵: ج ۱۷، ۱۰۴) و معمر بن راشد اشاره داشت که به جز کلبی مفسران معتبر زبور را «کتاب (آسمانی)» و ذکر را «اصلی که نزد خداست» (الاصل الذی عند الله) می‌دانستند (صنعانی، ۱۴۱۰: ج ۳، ۳۰).

هم‌چنین شیخ مفید در نوشته‌های کلامی خود، به هنگام سخن از لوح، آن را به‌عنوان «کتاب خدا» وصف می‌کند که «در آن هر آن‌چه تا روز قیامت روی دهد، نوشته شده است» و در ادامه آن را همان ذکر یادشده در آیه مورد بحث می‌شمارد (مفید، ۱۴۱۴: ۷۴). از معاصران، علامه طباطبایی پس از اشاره به این قول مفسران، که مقصود از ذکر لوح محفوظ باشد، با عبارت مبهم «وهو کما تری» ناخرسندی خود از این برداشت را بیان کرده است (طباطبایی، بی تا: ج ۱۴، ۳۲۹).

۲،۲ گروه دوم، تورات به‌عنوان ذکر

اقوالی که در تفسیر ذکر آن را تورات منفرداً یا همراه با انجیل انگاشته و زبور را، که پس از آن آمده، قرآن کریم دانسته‌اند. این طیف از تفسیر در مرویات زیر دیده می‌شود:

سعید بن جبیر در قول دوم منقول از وی: تورات به‌عنوان «ذکر» و قرآن به‌عنوان «زبور» (طبری، ۱۴۰۵: ج ۱۷، ۱۰۳؛ ابونعیم، ۱۳۵۱: ج ۴، ۲۸۷) یا تورات و انجیل به‌عنوان «ذکر» و قرآن به‌عنوان «زبور» (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ج ۶، ۱۵۲؛ ابن جوزی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۲۷۴).

محمد بن ادریس شافعی هم «ذکر» را کتب سلف شامل «تورات و انجیل و صحف ابراهیم» می‌شمارد و به‌تلویح از سخن او برمی‌آید که «من بعد الذکر» باید کتابی جدیدتر از انجیل یعنی قرآن باشد (شافعی، بی تا: ج ۴، ۲۴۱).

به آن‌چه ذکر شد باید اقوالی را اضافه کرد که در تفسیر ذکر آن را هم‌چنان تورات انگاشته و زبور را که پس از آن آمده کتب آسمانی مابعد تورات دانسته‌اند. این طیف از تفسیر در منقولات زیر دیده می‌شود:

روایت ابن سعد از نیاکانش از ابن عباس: «تورات» به‌عنوان «ذکر» و «کتب (آسمانی بعدی)» به‌عنوان «زبور» (طبری، ۱۴۰۵: ج ۱۷، ۱۰۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۶، ۳۱۳؛ بغوی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۲۷۱)؛ همین تفسیر به روایت عوفی از ابن عباس (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۲۷۴) و از قول ضحاک بن مزاحم (طبری، ۱۴۰۵: ج ۱۷، ۱۰۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۶، ۳۱۳؛ بغوی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۲۷۱) نیز آمده است.

عامر شعبی: تورات یا «ذکر موسی» یا به صورت ترکیبی و به عنوان بدل «توراة ذکر موسی» به عنوان «ذکر» و «زبور داوود (ع)» به عنوان «زبور» (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ج ۶، ۱۵۲؛ طبری، ۱۴۰۵: ج ۱۷، ۱۰۳-۱۰۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۸، ۲۴۷۱؛ طحاوی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۲۹۸-۲۹۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۶، ۳۱۳؛ حاکم، ۱۴۱۱: ج ۲، ۶۴۲؛ ابن جوزی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۲۷۴). همین تفسیر به نقل از کلبی نیز آمده است (صنعانی، ۱۴۱۰: ج ۳، ۳۰).

در پایان گروه دوم باید به مقولاتی از ابوصالح (یحیی بن معین، ۱۴۱۹: ۲۳۱) و ابوالعباس ثعلب (ثعلب، ۱۹۶۰: ۵۴) اشاره کرد که به سبب ابهام در عبارت بین دو شق گروه دوم مردند. هم چنین باید به قولی با مرجع مجهول در تفسیر علی بن ابراهیم قمی اشاره کرد حاکی از این که «کتب همه ذکرند» (الکتب کلها ذکر) (قمی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۷۷).

۳،۲ گروه سوم، قرآن به عنوان ذکر

اقوالی که ظرف «من قبل» را به معنای «من بعد» گرفته اند ذکر آن را قرآن و زبور را همان زبور داوود (ع) دانسته اند. این تفسیر که طبری آن را به عنوان قول بعضی از مفسران آورده است (طبری، ۱۴۰۵: ج ۳۰، ۴۵) و بدون وضوح در انتساب در آثار بعدی دیده می شود (ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۱۰، ۱۲۸؛ ابوالفتوح، ۱۳۷۱: ج ۲۰، ۱۴۱؛ ابوالمحاسن حنفی، بی تا: ج ۲، ۱۸۳؛ شوکانی، بی تا، ج ۵، ۳۷۹) و ابن خالویه آن را به عنوان قول مختار خود مطرح کرده است (ابن خالویه، ۱۴۰۱: ۲۵۱). در این گروه، که نقش نحویانی چون ابن خالویه در آن دیده می شود، آشکار است که افرادی کوشیده اند تا با یک تأویل نحوی معضلی را که پیش روی مفسران قرار دارد حل کنند.

به عنوان تنمهای بر این بخش از سخن باید گفت، در کتب وجوه و نظایر، از کهن ترین تا متأخرترین آن ها، با وجود آن که به سبک وجوه نویسان حدود ۱۵ تا ۲۰ معنا برای ذکر در قرآن کریم مطرح می شود، بدون استثنا در همه آن ها واژه ذکر در آیه مورد بحث به معنای «لوح محفوظ»، یعنی گروه اول، گرفته شده است؛ این در حالی است که آنان همگی کاربرد ذکر به معنای تورات را در قرآن کریم پذیرفته و نمونه آن را در آیات دیگری نشان داده اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۷: ۵۳؛ هارون بن موسی، ۱۴۰۹: ۷۰؛ ابوهلال عسکری، ۱۴۲۸: ۲۲۳؛ ثعالبی، ۱۴۰۴: ۱۴۶؛ حیری، ۱۹۹۶: ۱۴۲؛ دامغانی، بی تا: ۲۱۹؛ تفلیسی، ۱۳۴۰: ۱۰۳؛ ابن جوزی، ۱۴۰۴: ۳۰۴؛ فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ج ۳، ۱۳). علامه طباطبایی، از معاصران، ضمن اشاره به قول کسانی که ذکر را قرآن کریم می دانند، یادآور می شود که بنا بر این قول بعدیت زبور از حیث رتبه و نه زمان است (طباطبایی، بی تا: ج ۱۴، ۳۲۹).

برای برآوردی از آثار تفسیری باید گفت، حتی مفسران نکته‌سنجی مانند زمخشری و امام فخر رازی یا ترجیحی بین اقوال نداده‌اند یا درباره‌ی وجه ترجیح خود توضیح کافی نداده و از این جنبه از آیه به سرعت عبور کرده‌اند. به‌ندرت می‌توان نکته‌هایی در هم‌سنجی این اقوال از مفسران بازجست. گروه سوم هرگز نزد محققان از مفسران اعتباری نیافت و چنان‌که اشاره شد بیش‌تر یک گریز نحوی بود، اما رقابت بین دو گروه اول تفسیری طی قرن‌ها تا امروز ادامه یافته است.

از جمله ابن جزئی غرناطی (د ۷۴۱ ق) پس از اشاره به تفسیرهای گروه اول و دوم، گروه اخیر را با این استدلال ارجح شمرده است که «اطلاق زبور بر کتاب داوود ظاهرتر و پرکاربردتر است. هم‌چنین زبور (در آیه) مفرد است و دلالت آن بر واحد نسبت به دلالت جمع ترجیح دارد». وی سپس با ارجاع به عهد عتیق متداول نزد اهل کتاب می‌افزاید: «دیگر آن‌که نص به این‌که زمین را صالحان به ارث خواهند برد، در زبور داوود آمده است» (ابن جزئی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۳).

علامه طباطبایی هم پیرامون این آیه اشاراتی گذرا اما مؤثر دارد. علامه درباره‌ی گروه اول با عبارت «هو کما تری» قول به این‌که ذکر در آیه به لوح محفوظ اشاره دارد نااستوار می‌شمارد و بدون آن‌که به صراحت بگوید ترجیحش گروه دوم، یعنی قول به بازگشت ذکر به تورات است، آن را به‌عنوان قول مقدم آورده است. وی درباره‌ی این تفسیر به‌عنوان مؤید یادآور می‌شود که در همان سوره انبیاء دو بار دیگر در آیات ۷ و ۴۸ واژه ذکر برای اشاره به تورات به کار رفته است (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۴، ۳۲۹).

عالمان وجوه و نظایر هم طی قرون متمادی، زمانی که از لوح محفوظ به‌عنوان یکی از معانی ذکر در قرآن سخن رانده‌اند، تنها موردی که برای کاربرد می‌شناختند آیه مورد بحث در سوره انبیاء بود و هرگز مثال دیگری برای آن یاد نکرده‌اند (← مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۷: ۵۴؛ هارون بن موسی، ۱۴۰۹: ۷۰؛ ابوهلال عسکری، ۱۴۲۸: ۲۲۴؛ ثعالبی، ۱۴۰۴: ۱۴۷؛ حیری، ۱۹۹۶: ۱۴۲؛ دامغانی، بی‌تا: ۲۱۹؛ تغلیسی، ۱۳۴۰: ۱۰۴؛ ابن جوزی، ۱۴۰۴: ۳۰۶؛ فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ج ۳، ۱۳). این به‌وضوح نشان می‌دهد که بازگرداندن واژه ذکر به لوح محفوظ در این آیه راهی برای برون‌رفت از تنگنای تفسیری بوده و زمینه لغوی یا تفسیری دیگری نداشته است.

۳. پی‌جویی ارث‌بری زمین در متون عهد عتیق

همان‌گونه که ابن جزئی یادآور شد و شماری دیگر از محققان بدان توجه کرده‌اند،

عبارت منقول در قرآن کریم هم‌اکنون در کتاب *مزامیر* یا *زبور داوود* (ع)، که در میان یهودیان و مسیحیان تداول دارد، موجود است و متن عبری و ترجمه عربی و فارسی آن چنین است:

h'yl, ([' d[;ä]l' WnàK.v.ylw> #r<a'-Wvr>yyl) ~yqliyDlc;

الصدیقون یرثون الارض و یسکنونها الی الابد؛

صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود

(*مزامیر*، ۳۷: ۲۹).

اما در *تورات* یا اسفار پنج‌گانه باید چه مضمونی را جست‌وجو کرد؟ آیه مورد بحث می‌فرماید: «در *زبور* بعد از ذکر نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث زمین خواهند شد» (ترجمه مکارم شیرازی). در صورتی که بازگرداندن «ذکر» به *تورات* صحیح باشد، باید بخشی در خصوص به ارث بردن زمین در *تورات* آمده باشد که کلی یا جزئی در *زبور* تکرار شده و در این آیه به معرض مقایسه گذاشته شده باشد. با کاوش در *تورات* می‌توان دریافت که مفهوم به ارث بردن زمین مفهومی محوری است که در چهار سفر از اسفار پنج‌گانه بدان پرداخته شده است. آیات مورد نظر این‌هاست:

#r<a'ih'-ta, ^±l. tt,l'ó ~yDlêf.k; rWaame 'yiti'aceAh rv<Üa] ۱,۳

HT'(v.rll. taZOàh; hw"©hy> ynlâa] wyl'ae rm,aYOàw:

پس وی (ابراهیم (ع)) را گفتم من هستم یهوه که تو را از اور کلدانیان بیرون آوردم

تا این زمین را به ارثیت به تو بخشم (پیدایش، ۱۵: ۷).

^yr<êglUm. #r<a,ä-ta, ^T.v.rll. %T'+ai ^â[]r>:l.W ^ßl. ~h'êr"b.a; ۲,۳

~h'(r"b.a;l. ~yhiPl{a/ ltiin"-rv,a] tk;är>Bi-ta, 'l:-HT,y]w>

و برکت ابراهیم را به تو (یعقوب (ع)) دهم، به تو و به ذریه تو با تو، تا وارث

زمین غربت خود شوی که خدا آن را به ابراهیم بخشید (پیدایش، ۲۸: ۴).

~h'ir"b.a;l. Ht'êao tteäl' ydlêy"-ta, 'ytiaf'n" rv<Üa] #r<a'êh'-ta, ۳,۳

'hw")hy> ynlia] hvPr"Am ~k□,l' Ht'iao '~k.ta, ytiÜabehew

yTl'tn"w> bqo+[y]y:l.W¥ qx'Pc.yll.

و شما (بنی اسرائیل) را خواهم رسانید به زمینی که درباره آن قسم خوردم که آن را

به ابراهیم و اسحاق و یعقوب بخشم، پس آن را به ارثیت شما خواهم داد. من یهوه

هستم (خروج، ۶: ۸).

#r<a, Ht'êao tv,r<âl' ' ~k,l' hN"n<ÜT.a, ynlúa]w: è~t'm'd>a;ta, ۴,۳
 ~yMi([;h'(-lmi ~k,pt.a, yTil.D:ib.hi- Wvâr>yTi(é~T,a; ~k,al' rm:âaow"
 rv,a] ~k,êyhel{)a/ hw"âhy> 'ynla] vb'd>W bl'Px' tb;îz"

و به شما (بنی اسرائیل) گفتم شما وارث این زمین خواهید بود و من آن را به شما
 خواهم داد و وارث آن بشوید، زمینی که به شیر و شهد جاری است. من یهوه خدای
 شما هستم که شما را از امت‌ها امتیاز کرده‌ام (لاویان، ۲۰: ۲۴).

~ymiPcu[]w: ~yliidoG> ~yIëAG tv,r<âl' 'abol' IDEêr>Y:h;ta, ۵,۳
 ~ylm")VB; troßcub.W tl{idoG> ' ~AYh; rbEÜ[o hT'a; la're "f,yI [m,äv
 ~yrl±[' &'M<+mi

ای اسرائیل بشنو تو امروز از اردن عبور می‌کنی تا داخل شده قوم‌هایی را که از تو
 عظیم‌تر و قوی‌ترند و شهرهای بزرگ را که تا به فلک حصاردار است به تصرف آوری
 (تثنیه، ۹: ۱).

واژه ַרְנַת در این آیه دقیقاً همان واژه‌ای است که در سفر لاویان به کار رفته و به
 ریشه عبری ַרְנַת (yāras) هم‌زاد و ریشه عربی «ورث» بازمی‌گردد که به معنای مالک شدن
 و به ارث بردن است (Gesenius, ۱۹۵۵: ۴۳۹). در آیه سفر تثنیه سخن از به ارث بردن
 شهرهای بزرگ است که در ترجمه فارسی و بسیاری ترجمه‌های دیگر واژه‌هایی به‌جز ارث
 بردن برای برگردان آن انتخاب شده است. در ترگوم، ترجمه آرامی تورات، صورتی نزدیک
 به اصل باقی مانده است:

lybir>br lymim.; akrtl tr:ymel. I[y,ymel. an"d>ry: ty" lydE am'Ay rb;['
 ay"m;v. tyce d[; Ik'yrlkW lybrbr !b'r>br: lywlrqi \$n"mi ta; larvy [m;v.
 lypiyqit;w>:

در این عبارت نیز واژه ַרְנַת از ریشه آرامی ַרְנַת (y'rēt) به معنای گرفتن، مالک شدن
 و به ارث بردن برآمده است (← Jastrow, ۱۹۰۳: vol ۱, ۵۹۸). در ترجمه هفتادی به یونانی
 هم واژه‌ای رساننده معنای ارث به‌عنوان معادل انتخاب شده است. در عبارت زیر:

ἀκούε Ἰσραὴλ σὺ διαβαίνεις σήμερον τὸν Ἰορδάνην εἰσελθεῖν
 κληρονομῆσαι ἔθνη μεγάλα καὶ ἰσχυρότερα μᾶλλον ἢ ὑμεῖς πόλεις μεγάλας καὶ

ΤΕΙΧΗΡΕΙΣ ἕως τοῦ οὐρανοῦ.

واژه κληρονομῆσαι از ریشه یونانی κληρονομεω به معنای به ارث بردن ساخته شده است (Liddell and Scott, ۱۹۹۰: ۹۵۹). در یک ترجمه عربی هم عبارت «ورثتهم و سکنت مدنهم» به کار رفته است (پوست، ۱۹۸۱: ۶۱۹).

به آغاز این بخش بازمی‌گردیم. اکنون می‌توان با تأکید گفت که در تورات عبارات متعددی در خصوص به ارث بردن زمین آمده است. حال باید دید نسبت آن با عبارت مز/میر چیست. در سفر پیدایش دو آیه از به ارث بردن زمین معینی به دست حضرت ابراهیم و یعقوب (ع) یاد کرده‌اند که فرد اخیر جد اعلای بنی اسرائیل و فرد نخستین پدر بزرگ اوست؛ سه آیه در اسفار خروج، لایوان، و تثیبه هم از به ارث زمین معینی به دست قوم بنی اسرائیل سخن آورده‌اند. به طور کلی موضوع ارث‌بری در اسفار تورات بازگشتش به قوم بنی اسرائیل یا یکی از نیاکان این قوم است که در برهه‌ای از زمان به عنوان قوم برگزیده خداوند مطرح بوده‌اند. اما در مز/میر تحولی مبنایی درباره ارث‌بری روی داده است. در این سفر بازگشت ارث‌بری زمین به صدیقان در تعبیر عبری مز/میر یا صالحان و در تعبیر عربی قرآن است و به جای تعلقات قومی منش و کردار شخصی به معیار ارث‌بری زمین مبدل شده است.

کلارک، از مفسران عهد عتیق، اشاره دارد که آیه مز/میر می‌تواند به جای اشاره به سرزمین موعود بنی اسرائیل، ناظر به مسکن ابدی باشد که در آن نیکان با خداوند در شکوه زندگی خواهند کرد (Clarke, ۱۸۳۵: vol ۳, ۳۴۰)، اما برداشت جیل صریح‌تر است. وی از این آیات مز/میر چنین برداشتی دارد که بدکرداران در نهایت درو خواهند شد، همانند کشتی که درو می‌شود و این نیکان است که می‌مانند؛ آنان که کردار نیک و خوی نرم پیشه کرده‌اند و فرمان خدا را پیروی می‌کنند. زمینی که بر اساس آیه مز/میر آنان به ارث خواهند برد نه آن زمین کنعان که در آن شیر و عسل جاری است، بلکه تمامی این جهان است و فراتر از زمین میراث آنان سرزمین بهشت در دنیای پسین خواهد بود (Gill, ۱۷۴۸, under Psalms ۳۷: ۹).

۴. نسبت ذکر و تورات در فرهنگ یهودی

در عهد عتیق مواضع مکرری وجود دارد که به هنگام سخن گفتن درباره وحی الهی به حضرت موسی (ع)، که تعبیری از تورات است، از معادل عبری ریشه ذکر یعنی زخر ַדַּכ

استفاده شده است. در این باره نخست باید به عبارتی از صحیفه یوشع اشاره کرد که می‌گوید:

x:ynlām ~k,yhel{a/ hw"Ühy> rmo=ale hw"ßhy>db,[,(hv,îmo
taZO*h; #r<a'ih'-ta, ~k,Pl' ~k,Qt.a, hW"ici rv,'a] rb'êD"h;-ta, 'rAkz"
lt:in"w> ~k,êl' e

به یاد آورید آن سخن را که موسی بنده خداوند به شما امر فرموده گفت: یهوه
خدای شما به شما آرامی می‌دهد و این زمین را به شما می‌بخشد (یوشع، ۱: ۱۳).

~yQlßxu laeêr"f.yHK'-l]; 'brExob. AtÜAa ytiyWl"ci •rv,a] yDlB.];
~yji(Pv.miW hv,ämo tr:PAT Wr&k.zl

تورات بنده من موسی را که آن را با فریض و احکام به جهت تمامی بنی اسرائیل
در حوریب امر فرمودم به یاد آورید (ملاکی، ۴: ۴).

در هر دو آیه ماده زخر (٦٦٢) برای یادآوری تورات به کار رفته است.

گفتنی است خواندن تورات برای یادآوری آن بخش مهمی از فرهنگ دینی یهود است
و کاملاً مفهوم است که رابطه‌ای مستحکم میان تورات با مفهوم یادآوری و بازخوانی یا
«ذکر/ زاخور» در این فرهنگ فراهم آید. کهن‌ترین دستور در این باره به سفر تثبیه تورات
بازمی‌گردد که می‌گوید:

و موسی ایشان را امر فرموده گفت که در آخر هر هفت سال در وقت معین سال
انفکاک در عید خیمه‌ها "چون جمیع اسرائیل بیابند تا به حضور یهوه خدای تو در
مکانی که او برگزیند حاضر شوند، آن‌گاه این تورات را پیش جمیع بنی اسرائیل در
سمع ایشان بخوان" قوم را از مردان و زنان و اطفال و غریبانی که در دروازه‌های تو
باشند جمع کن تا بشنوند و تعلیم یافته از یهوه خدای شما بترسند و به عمل نمودن
جمیع سخنان این تورات هشیار باشند (تثبیه، ۱۳: ۱۰-۱۲).

در کتاب نحمیا درباره مراسم تلاوت تورات از سوی عزرای کاتب چنین گفته است:

و آن را در سعه پیش دروازه آب از روشنایی صبح تا نصف روز در حضور مردان
و زنان و هر که می‌توانست بفهمد خواند و تمامی قوم به کتاب تورات گوش فرا
گرفتند (نحمیا، ۸: ۳).

در ادامه تلمود در بخش‌های مختلف این رسم را مطرح کرده است که به مناسبت
روزهای مختلف هفته و اعیاد مختلف تورات خوانده شود یا «ذکر» شود. از جمله بر اساس

گفتهٔ عبدا زارا از کتب تلمودی «خداوند خود گفته است که تورات را روزانه بخوانید» (Aboda Zara, ۳b) و در مگیلا آداب و قواعد قرائت گاهانهٔ تورات یا «زاکر» بسط داده شده است (Megillah, ۳۰a). در ادامهٔ همین رسم است که در طیفی از زبان‌های سامی، که با فرهنگ یهودی — مسیحی مرتبط بوده‌اند مانند عبری، آرامی ترگوم، و سریانی، هم‌زادهای مادهٔ ذکر شامل ذکر و دکر معنای قرائت کردن (یک متن مقدس) را نیز یافته‌اند (Jastrow, ۱۹۰۳: vol ۱, ۳۰۸; Leslau, ۱۹۹۱: ۶۳۶).^۱

گفتنی است در فرهنگ یهود مفهوم ذکر یا زاکر در دامنه‌های دیگری هم بسط یافته است: یاد مستمر خداوند و نامبری او به هنگام تقدیم قربانی‌ها و به مناسبت‌های گوناگون که خود پایه‌ای برای ارتباط معنوی مستمر بین انسان و خدا دانسته می‌شود و در فرهنگ اسلامی هم به‌عنوان ذکر در آموزه‌های اخلاقی و عرفانی جایگاه ویژه‌ای دارد و یادآوری مستمر الطاف خداوند به قوم بنی اسرائیل با بازخوانی سرگذشت این قوم که به‌مثابهٔ تجدید عهدی مستمر با خداوند است.

بازتاب زاکر در کاربرد اول را باید در اذکار و قرائت‌های مستمر یا گاهانه در آیین یهود جست‌وجو کرد که از سوی محققانی چون چایلدز، شوتروف، و بوئر مورد پژوهش گسترده قرار گرفته است (۱۰۵-۱۰۶: ۱۹۸۲; Schottroff, ۱۹۶۴; Chenderlin, ۱۹۸۲). بازتاب زاکر در کاربرد دوم را باید در تواریخ یهود و اهتمام آنان به بازخوانی سرگذشت خود جست‌وجو کرد که رد آن از کتب عهد عتیق آغاز می‌شود و طی قرن‌ها دوام می‌یابد. زاکر به این معنا از سوی کسانی چون یروشالمی کاویده شده است (۱۱۹: ۱۹۹۶: Yerushalmi). با این حال، به‌نظر می‌رسد زاکر در معنای بازخوانی تورات از فرهنگ عهد عتیق تا تلمود به مفهومی ساخت یافته تبدیل شده و در اعصار پسین در کنار دو کاربرد یادشده دوام یافته است. اگرچه به اندازهٔ آن دو کاربرد این طیف از کاربرد زاکر کاویده نشده، اما چنین می‌نماید که در عصر ظهور اسلام، برای یهود، دست کم آن جماعت که در شبه جزیرهٔ عربستان و در بافت نزول قرآن می‌زیسته‌اند، ارتباط معنایی استواری میان مفهوم ذکر/زاکر با تورات وجود داشته که زمینه‌ساز اطلاق ذکر بر تورات بوده است.

۵. نتیجه‌گیری

مجموع شواهد ارائه‌شده به ما این امکان را می‌دهد که نتیجه بگیریم ذکر و زبور در آیهٔ مورد بحث عناوین ناظر به دو متن مشخص، یعنی تورات یا اسفار پنج‌گانه و زبور یا مزامیر،

هستند؛ نه این که ناظر به امری دور از دسترس انسانی مانند لوح محفوظ یا ناظر به مفهومی شناور مانند کلیت کتاب آسمانی باشند. این دو واژه به دو کتاب آسمانی اشاره دارد که به مثابه مرجعی برای مقایسه با مخاطب معرفی شده‌اند که در هم‌سنجی آن‌ها هدایتی نهفته است. هدف از این هم‌سنجی آن است که مخاطبان آشنا با این کتب، یعنی اهل کتاب و مشخصاً یهود حاضر در بافت نزول قرآن کریم، ضمن مقایسه میان مضامین زیور با اسفار پنج‌گانه به این نکته تفتن یابند که دیرزمانی است که دیگر سخن از ارث‌بری زمین مشخص از سوی قوم مشخص، یعنی بنی اسرائیل، مطرح نیست و به آن‌ها یادآوری شود که این تحول در همان فرهنگ عهد عتیق رخ داده است. سخن از ارث‌بری یک قوم برگزیده منسوخ شده و ارث‌بری نه بر اساس تعلقات قومی بلکه بر پایه خوی نیک و عمل صالح از همان عصر مزامیر در وحی الهی تبیین شده است. این که صالحان وارثان زمین باشند پیامی است که در متن مزامیر به عنوان پیامی ابدی مطرح شده و قرآن کریم هم آن وحی را بازگو و تأیید کرده است.

تا آن جا که به مفسران تورات و شارحان فرهنگ ذکر (زاخر) در فضای یهودی بازمی‌گردد، به این جنبه از عبارت مزامیر توجه ویژه‌ای مبذول نشده و تحول معنایی رخ داده از اسفار تورات تا مزامیر، آن گونه که شایسته است، مورد مذاقه قرار نگرفته است و تا آن جا که به مفسران قرآن کریم بازمی‌گردد، توجه نادر آنان به وجود چنین مضمونی در زیور و بی‌توجهی مطلق آنان به این که در اسفار تورات هم سخنانی درباره ارث‌بری زمین وجود داشته باشد، معنای آیه را برای آنان مبهم کرده و آنان را در شرایطی قرار داده که به دنبال تأویل‌های دور برای ذکر و زیور باشند.

پی‌نوشت

۱. لسلاو به وجود چنین معنایی در مندایی و سقطری هم اشاره کرده است.

کتاب‌نامه

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، به کوشش اسعد محمد الطیب، صیدا/ بیروت: المكتبة العصرية.

ابن ابی زینین، محمد بن عبدالله (۴۳۳ق). تفسیر، به کوشش حسین بن عکاشه و محمد بن مصطفی الکنز، قاهره: مكتبة الفاروق الحدیثة.

ابن ابى شيبه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ق). المصنف، به كوشش كمال يوسف الحوت، رياض: مكتبة الرشد.

ابن جزى، محمد (۱۴۰۳ق). التسهيل لعلوم التنزيل، بيروت: دار الكتاب العربى.

ابن جوزى، عبدالرحمان بن على (۱۴۰۷ق). زاد المسير، به كوشش محمد بن عبدالرحمن عبدالله، بيروت: دار الفكر.

ابن جوزى، عبدالرحمان بن على (۱۴۰۴ق). نزهة الاعين النواظر، به كوشش محمد عبدالكريم كاظم الراضى، بيروت: مؤسسة الرسالة.

ابن خالويه، حسين بن احمد (۱۴۰۱ق). الحجة فى القراءات السبع، به كوشش عبدالعال سالم مكرم، بيروت: دار الشروق.

ابو عبيد قاسم بن سلام (۱۹۸۷م). النسخ و المنسوخ، به كوشش برتن، كمبريج: يادواره گيب.

ابوالفتوح رازى، حسين بن على (۱۳۷۱). روح الجنان و روح الجنان (تفسير)، به كوشش محمدجعفر ياحقى و محمد مهدى ناصح، مشهد: بنياد پژوهش هاى اسلامى.

ابوالمحسن دمشقى، يوسف بن موسى (بى تا). المعتصر من المختصر، بيروت/ قاهره/ دمشق: عالم الكتب/ مكتبة المتنبي/ مكتبة سعد الدين.

ابونعيم اصفهانى، احمد بن عبدالله (۱۳۵۱ق). حلية الاولياء، قاهره: مطبعة السعادة.

ابوهلال عسكرى، حسن بن عبدالله (۱۴۲۸ق). الوجوه و النظائر، به كوشش محمد عثمان، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.

بسوى، يعقوب بن سفيان (۱۳۹۴-۱۳۹۶ق). المعرفة و التاريخ، به كوشش اكرم ضياء عمري، بغداد: مطبعة الارشاد.

بغوى، حسين بن مسعود (۱۴۰۷ق). معالم التنزيل، به كوشش خالد العك و مروان سوار، بيروت: دار المعرفة.

پوست، جورج (۱۹۸۱م). فهرس الكتاب المقدس، بيروت: مكتبة المشعل.

تفليسى، حبيش (۱۳۴۰ش). وجوه قرآن، به كوشش مهدى محقق، تهران: دانشگاه تهران.

ثعالبي، عبدالملك بن محمد (۱۴۰۴ق). الاشباه و النظائر فى الالفاظ القرآنية، به كوشش محمد المصرى، بيروت/ قاهره: عالم الكتب/ مكتبة المتنبي.

ثعلب، احمد بن يحيى (۱۹۶۰م). مجالس ثعلب، به كوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره: دار المعارف.

ثعلبى، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). تفسير الكشف و البيان، به كوشش ابومحمد بن عاشور، بيروت: دار احياء التراث العربى.

حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق). المستدرک على الصحيحين، به كوشش مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية.

٣٤ رويكردي بين الادباني به معنای «من بعد الذكر» در قرآن کریم

حیری، اسماعیل بن احمد (١٩٩٦م). *وجوه القرآن الكريم*، به كوشش فاطمه يوسف الخيمي، دمشق: دار السقا.

دامغانی، حسین بن محمد (بی تا). *الوجوه و النظائر لالفاظ كتاب الله العزيز*، به كوشش عربی عبدالحمید علی، بیروت: دار الكتب العلمية.

شافعی، محمد بن ادريس (بی تا). *الام*، بیروت: دارالمعرفة.

شوکانی، محمد بن علی (بی تا) *فتح القدير*، بیروت: دار الفكر.

صفار، محمد بن حسن (١٤٠٤ق). *بصائر الدرجات*، تهران: مكتبة الاعلمی.

صنعانی، عبدالرزاق بن همام (١٤١٠ق). *تفسير القرآن*، به كوشش مصطفى مسلم محمد، ریاض: مكتبة الرشد.

ضیاء مقدسی، محمد بن عبدالواحد (١٤١٠ق). *الاحاديث المختارة*، به كوشش عبدالملك عبدالله دهيش، مکه: مكتبة النهضة الحديثة.

طباطبایي، محمدحسین (بی تا). *الميزان*، قم: جماعة المدرسين.

طبری، محمد بن جریر (١٤٠٥ق). *التفسير*، بیروت: دار الفكر.

طحاوی، احمد بن محمد (١٤٠٨ق). *شرح مشكل الآثار*، به كوشش شعيب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة.

عهد عتیق (كتاب مقدس) (١٩٠٤). لندن: انجمن پخش كتب مقدسه.

العهد العتیق (الكتاب المقدس) (١٩٨٢). قاهره: دار الكتاب المقدس.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (١٣٩٣-١٤١٦ق). *بصائر ذوی التمييز*، به كوشش محمدعلی النجار، قاهره: المجلس الاعلی للشؤون الاسلامية.

قمی، علی بن ابراهیم (١٣٨٦-١٣٨٧ق). *التفسير*، به كوشش طيب موسوی جزائری، نجف: مكتبة الهدی.

کلینی، محمد بن یعقوب (١٣٩١ق). *الكافي*، به كوشش علی اكبر غفاری، تهران: دار الكتب الاسلامية.

مفید، محمد بن محمد (١٤١٤ق). *تصحیح اعتقادات الامامية*، قم: دار المفید.

مقاتل بن سلیمان (١٤٢٤ق). *تفسير القرآن*، به كوشش احمد فريد، بیروت: دار الكتب العلمية.

مقاتل بن سلیمان (١٤٢٧ق). *الوجوه و النظائر فی القرآن العظيم*، به كوشش حاتم صالح الضامن، دبی: مركز جمعة الماجد.

مکی، محمد بن علی (١٤١٧ق). *قوت القلوب*، به كوشش باسل عیون السود، بیروت: دار الكتب العلمية.

واقدي، محمد بن عمر (بی تا). *فتوح الشام*، بیروت: دار الجیل.

هارون بن موسی قاری (١٤٠٩ق). *الوجوه و النظائر فی القرآن الكريم*، به كوشش حاتم صالح الضامن، بغداد: وزارة الثقافة و الاعلام.

هناد بن سری کوفی (١٤٠٦ق). *الزهة*، به كوشش عبدالرحمن عبدالجبار فريوائي، کویت: دار الخلفاء.

يحيى بن معين (۱۴۱۹ق). *الفوائد*، روايت ابوبكر مروزي، به كوشش خالد بن عبدالله السبيت، رياض: مكتبة الرشد.

- Aboda Zara (۱۹۹۰). *Megillah*, in: Hebrew-English edition of the Babylonian Talmud, I. Epstein (ed.), London, Soncino Press.
- Biblia Hebraica* (۱۹۳۷). R. Kittel and P. Kahle (eds.). Stuttgart, Württembergische Bibelanstalt.
- Chenderlin, Fritz (۱۹۸۲). *Do this as my Memorial: The Semantic and Conceptual Background and Value of Anamnēsis in ۱ Corinthinas ۱۱: ۲۴-۲۵*, Gregorian Biblical Bookshop.
- Clarke, Adam (۱۸۳۵-۱۸۴۶). *The Holy Bible with a Commentary and Critical Notes*, New York: Methodist Episcopal Church.
- Gesenius, W. (۱۹۵۵). *Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F.A. Brown, Oxford: Oxford University Press.
- Gill, John (۱۷۴۸-۱۷۶۳). *An Exposition of the Old Testament*, London: N.P.
- Jastrow, Marcus (۱۹۰۳). *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi and the Midrashic Literature*, London/ New York: Luzac/ Putnam.
- Leslau, Wolf (۱۹۹۱). *Comparative Dictionary of Ge'ez (Classical Ethiopic)*, Wiesbaden: Harrassowitz.
- Liddell, H. G. and R. Scott (۱۹۹۰). *A Greek- English Lexicon*, H. S. Jones and R. McKenzie (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- The Old Testament in Greek* (۱۹۰۶). A. E. Brooke and N. McLean (eds.), Cambridge: Cambridge University Press.
- Schottroff, Willy (۱۹۶۴). *Gedenken im Alten Orient und im Alten Testament: Die Wurzel zalar im semitischen Sprachkreis*, Neukirchener Verlag.
- Yerushalmi, Yosef Hayim (۱۹۹۶). *Zakhor: Jewish History and Jewish Memory*, Washington: University of Washington Press.